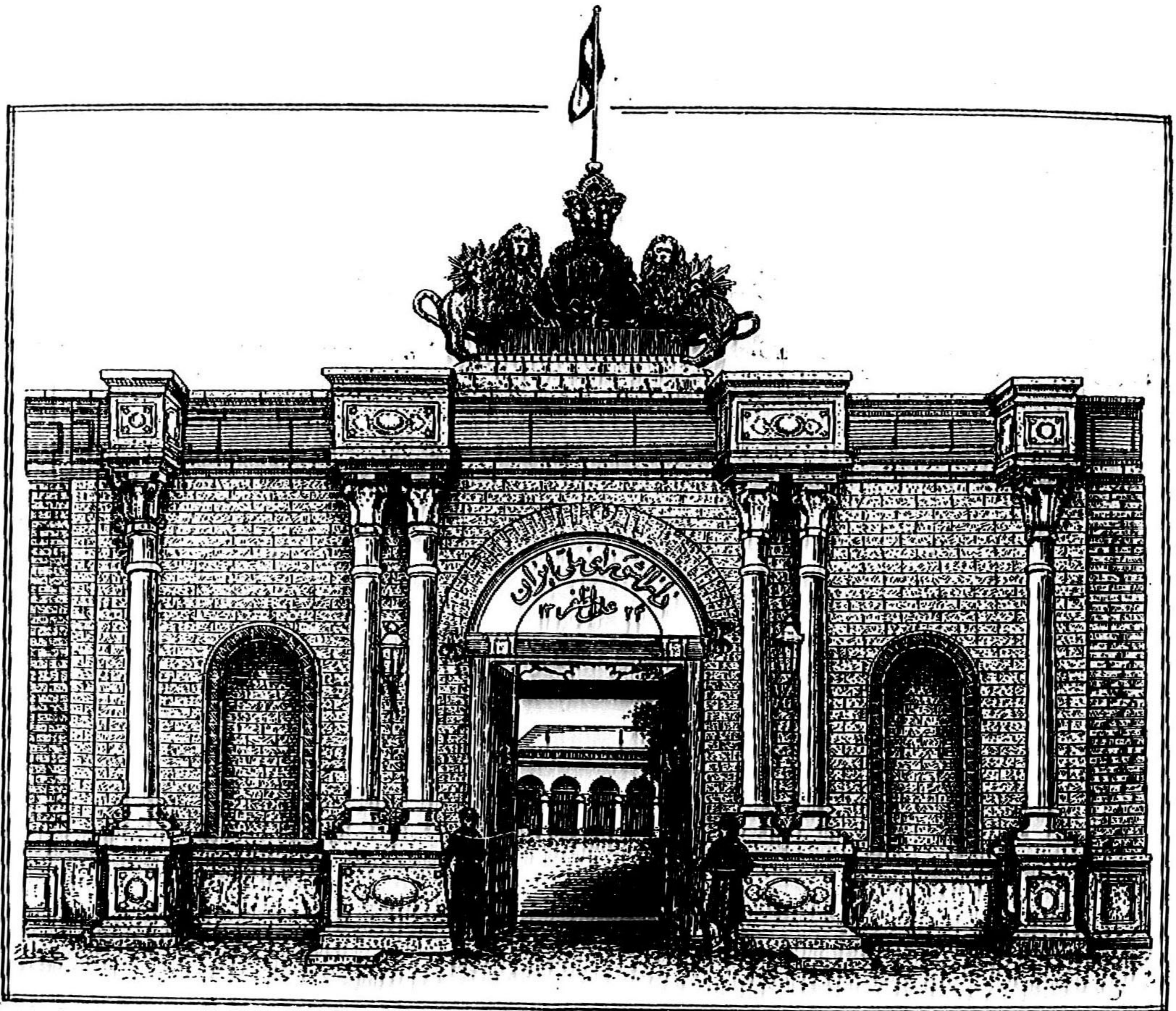


<p>جلسه ۳۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره پنجم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۱۷ آذر ۱۳۰۵ مطابق ۳ جادی الثاني ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

## فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره راجع بماده ششم خبر کمیسیون بودجه در موضوع استخدام مسیو ژانمار بلژیکی برای پست و تلگراف	۸۲	۸۷
۲	بقیه شور اول طرح قانون بلدی از ماده ۳۸ الی ۴۵	۸۷	۱۰۱



# مذکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه پنجشنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۳ جمادی الثانیة ۱۳۴۵

### جلسه ۳۹

(مجلس دو ساعت و یکربع قبل از ظهر برپاست  
 آقای تدین تشکیل گردید)  
 (صورت مجلس سه شنبه پانزدهم آذرماه را آقای آقا  
 سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب -- بطوریکه بنده اطلاع دارم آقای  
 حاج حسن آقا ملک مریض هستند در صورت مجلس

ایشان را غایب بی اجازه نوشته اند درحالتیکه بنده اطلاع دارم ایشان شب سه شنبه سکنه کرده اند حالا حالشان بهتر است ولی در هر حال مریض میباشند

رئیس -- چون اطلاع نداده بودند باینجه غائب بی اجازه نوشته شده است .

یک اصلاحی در خلاصه صورت مجلس شده است که تذکراً عرض میکنم ؛ در قانون الغاء مالیات روده که در جلسه گذشته تصویب شد در خبری که از طرف کمیسیون قوانین مالیه تقدیم مجلس شده و تطبیق و توزیع شده بود اشتباهی در تعیین سنه شده بود . قانون اولی راجع بروده در آن راپورت این طور بود «مصوب هفتم ربيع الثاني ۱۳۲۹» در صورتیکه بعد از مراجعه بسوابق و قانون مطبوع معلوم شد بیست و نه نیست و بیست و هشت است در صورت مجلس اصلاح شد .

حائری زاده -- باید اصلاح شود

رئیس -- در صورت مجلس اصلاح شده اش قرائت شد . برای تذکر عرض شد که بیست و نه نبوده است و بیست و هشت بوده است . نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست ؟

صورت مجلس تصویب شد .

رئیس -- خبر کمیسیون بودجه راجع باستخدام مسیو ژامار بلژیکی از ماده ششم مطرح است . (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - حقوق سالیانه مسیو ژامار بقراردیل ماهیانه پرداخت خواهد شد .

سال اول - ۸۵۰۰ تومان

سال دوم - ۹۰۰۰

سال سوم - ۹۵۰۰

دو سال آخر - ۱۰۰۰۰

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اگر نظر محترم آقایان باشد این

مسئله را که حالا میخواهم اینجا عرض کنم زمینه اش در عرایض روز سه شنبه بنده معلوم شد . عرض کردم که پست و تلگراف تقریباً شصت هفتاد سال است در ایران هست و حقیقه آن چیزی که باید در پست و تلگراف باشد (یعنی مستخدمین لایق ایرانی) در آنجا هستند در پستخانه و هم در تلگرافخانه . بنده هم در کمیسیون بودجه بوده ام و هم در کمیسیون فوائد عامه رئیس پست شاهزاده عبدالباقی میرزا یکی از اشخاص مذهب الاخلاقی هستند که حقیقه همه اعضاء کمیسیون تصدیق دارند و همچنین در بین رؤسای تلگرافخانه از این اشخاص داریم . آنچه بنده کاملاً فهمیده ام در عرض دو سال اخیر بین رؤسای مافوق نقاری پیدا شده است عقیده بنده این بود که یک وزیر کدخدا منش به نشیند و بین اینها را اصلاح بکند و این رؤسائی که شصت سال هفتاد سال سابقه کامل در وزارت پست و تلگراف دارند با هم اصلاح کنند که در اینجا گفته نشود ایرانیها نمکین نمیکنند ؛ خیر ؛ ایرانیها کاملاً نمکین از خودشان دارند و هیچ زبر این بار هم نمیروند که یک قیمی بیاید مارا قیمومیت بکند یا مستشار بیاید مارا راه بیندازد .

خیر اینطور نیست نهایت نخواستند کدخدا منشی بشود و بین رؤسای مافوق اصلاح بشود که ما محتاج باین کار باشیم . در دوره چهارم بعد از آنکه اینجا راجع بعملیات مسیو مولیتز صحبتها می شد و مولیتز کنار رفت آمدند اینجا صحبت کردند که ما پست و تلگرافان مرتب و منظم است و برای خاطر اینکه یک قدری باز هم هنوز بکریان اروپائی باشد ( که بنده خیلی متأسفم از این چیزها ) یک نفر کفایت میکند که میخواستند مسیو پیر را پیشنهاد کنند و کفایت هم می کرد چرا برای اینکه روح مسئله اینست که رؤسای پست و تلگراف خیلی خوب از عهده بر می آیند اما یک مسئله دیگر که میگویند مسئله ادراه بین المللی است و چون بین المللی است باید بکنفر فرنگی اینجا باشد این هم دلیل نمیشود چرا بعلمت اینکه

ایران بین المللی نیست و سابق بر این هم همین طور بوده است

نوبخت - بنده يك اخطار قانونی دارم

رئیس - اخطار قانونی را قانون اجازه نمیدهد درین نطق دیگران کرد بگذارید حرفشان تمام شود آنوقت

آقا سید یعقوب - از این نقطه نظری خواهم عرض کنم آقای نوبخت جنابعالی هم گوش بدهید حالا زود است به بنده اخطار بفرمائید پس آنوقت آمدم و قبول کردم که سالی فلان قدر بمسیو پیر داده شود یعنی دولت سالی دو هزار و چهارصد تومان پیشنهاد کرد . حالاً هم کسانی را داریم که متخصص هستند و میتوانند اداره پست و تلگراف مارا مرتب کنند و شما بکنفر را در واقع میخواهید که يك عنوانی رویش بگذارید بهمان عنوانی که یکی از محترمین اینجا اظهار کردند و بنده با او مخالف بودم پس این را هم همانقدر حقوق بدهید نه اینکه سال اول هشت هزار تومان و بعد هم باین ترتیب بالا برود و این ترتیب را بنده مخالفم چرا برای خاطر اینکه در سابق هم که تصویب شد ( قانونش را هم آوردم که بعرض آقایان برسام ) سالی دو هزار و چهارصد تومان بود پس يك مستخدمی که ما سالی هفت هزار هشت هزار تومان نارسد بده هزار تومان باو بدهیم محتاج نیستیم چرا برای اینکه ما آدم هم برای اداره اش داریم هم برای سایر ترتیباتش برای اینکه شصت سال است که پست و تلگراف در مملکت ما اداره شده است و بنده با اینکه يك مستخدمی بیاورند و مبلغ گرانی باو بدهند مخالفم و اگر هم ناچارید که بکنفر مستخدم بیاورید اقلاً مثل مسیو پیر و مسیو ژبو حقوقش را سالی دو هزار و چهارصد تومان قرار بدهید . این است که بنده باین اندازه را مخالفم و در کمیسیون هم عرایض را عرض کردم

رئیس -- آقای نوبخت

نوبخت - عرض کنم بحت آقای آقا سید یعقوب

موضوع کلی بود در صورتیکه این ماده ماده شش بود از اینجهه میخواستم سؤال کنم که علتش چیست ( خنده نمایندگان )

رئیس -- آقای خیر

شیروانی ( خیر ) - بنده از نماینده محترم بدو تقاضا میکنم در ضمن فرمایشاتشان که می فرمایند من يك تعصبات ایرانیت دارم این را زیاد تکرار نکنند برای اینکه سارین هم گمان نمی کنم اینقدر ها از ایشان بیعلاقه تر به مملکت باشند ( خنده نمایندگان ) یعنی همه دارای تعصب هستند و همه بمملکت علاقه مندند و با ایشان تفاوت ندارند . پس استدعا میکنم ایشان متصل این کله را تکرار نکنند و اما آمدم سر يك موضوع اساسی اداری که هیچ ربطی باین موضوعاتی که ایشان میفرمایند ندارد و آن این است که ما میخواهیم يك اداره را ترمیم و اصلاح کنیم و يك مستخدمی هم که نخص داشته باشد برای اینکار بیاوریم . این هیچ ربطی باین مسائل ندارد که ایشان میفرمایند - فرمودند همان ایرانیهای خودمان اداره میکنند و یکی از محترمین وزارت پست و تلگراف را هم که بنده هم بایشان ارادت دارم اسم بردند ولی ما عملاً بچشم خودمان دیدیم که اینها از عهده انجام وظایف خودشان بر نیامدند . بنده آن حرفهای دیگر را عرض نمی کنم فقط يك کله عرض میکنم ( به آقای آقا سید یعقوب هم جسارت نمی کنم ) بنده نمیگذارم کار بکنند - بنده همین آقای عبدالباقی میرزای متخصص خیلی نجیب خوب را هر روز میروم کنار میزشان می نشینم و میخواهم يك عضوی را بردارم و يك عضو دیگری تحمیل کنم و بالاخره روبه این است ؛ چه باید کرد ؟ کم کم باید در مرحله اصلاح وارد شویم - لزوم این متخصص را هم که مجلس مقدس تصدیق کرد - حالا آمدم بر سر حقوق - اگر آقای آقا سید یعقوب فراموش فرموده باشند در کمیسیون بودجه هم خیلی راجع بحقوق مذاکره شد - مسیو ژامار شاید اول متخصصی باشد که با این رتبه برای ایران استخدام

شده باشد - یعنی مسیو ژامار در مملکت خودش (بلژیک) دارای رتبه مدیر کلی است و آن اشخاصی را که ما همیشه بیاوریم اینجا دارای رتبه منشی دوم و سوم و منشی اولی بودند و شاید کمتر اتفاق می افتاد که يك شخص را که در مملکت خودش رئیس شعبه باشد برای اینجا بریاست کلی استخدام بشود - و مسیو ژامار مطابق اطلاعات کامل و دوسیه صحیح که در وزارت پست و تلگراف موجود و در دست دولت است - مسیو ژامار مؤسس چندین اداره بزرگ پست و تلگراف در دنیا بوده - در مملکت خودش دارای رتبه مدیر کلی است و شاید خیلی زیاد کمتر از این مأخذها هم حقوق نمیگیرد - و حقوق او در مملکت خودش شاید تقریباً همین میزان باشد (بنده معتقدم) همینطور که در موقع استخدام متخصصین امریکائی و سایر متخصصین هم عرض کرده ام یا باید ما متخصص از خارج جلب نکنیم یا اگر متخصص میآوریم بکنفر متخصص عالی مقام باشد - از حقوق او هم فرار نکنیم اینقدر هم آقای آقا سید یعقوب پشت زیبون فریاد زنند که ما يك ملت کدائی هستیم! - در صورتیکه اینطور نیست - کدما هم نیستیم که اینطور در همه دنیا فریاد میزنیم!! اداراتمان را هم باید اصلاح کنیم و بنده معتقدم که باید متخصص عالی مقام بیاوریم حقوق زیاد هم بدهیم و از او مسؤلیت بخواهیم و کارهای خوب و اصلاح اداری از او توقع داشته باشیم و الا اگر شما يك منشی یا يك ثبانی از يك مملکت خارجی بخواهید بیاورید و از او وظیفه مدیر کلی را بخواهید نمیتواند (آنها هم بشرند) اشخاصیکه رتبه زیر دست دارند باندازه رتبه خودشان لیاقت دارند و اشخاصیکه بواسطه لیاقت و علم و عمل رسیده اند بمقامات عالی در مملکت خودشان البته بهتر میتوانند کار بکنند - آقای آقا سید یعقوب خوب است این صرفه جوئی را در مورد دیگر فرمائید و در يك همچو موردی (بربروز هم عرض شد) بالاخره اگر لازم میدانند که این وضعیت فعلی پست و تلگراف را با بهتش ادامه بدهیم و يك پست

و تلگرافی مطابق پست و تلگراف دنیای امروزی داشته باشیم بنده خیال میکنم این صرفه جوئی ایشان مورد نداشته باشد - اما اینکه فرمودند - (بین المللی) و فرق نمیکند اگر ایرانی هم باشد مقصود از این کلمه بین المللی که اینجا اظهار شد نه این است که چون موضوع پست و تلگراف بین المللی است ما باید يك شخص خارجی داشته باشیم اینطور نیست موضوع این است که چون پست و تلگراف يك مسئله بین المللی است همانطوریکه در سایر نقاط دنیا این مؤسسه رو بترقی میبرد ما هم باید همین ملاحظه را بکنیم چون لا علاج با دنیا ارتباط داریم و ناچاریم بهمان اندازه جلو برویم و جلو رفتن ما هم از این راه است که ادارات خودمان را بدست متخصصین صحیح بدهیم تا خوب اداره بکنند - این فرق نمیکند - شما بالاخره مواجب میدهید نوکر میگیرید و باو پول میدهید که بیاید برای شما کار کند - مطابق این مواد اگر کارش را خوب انجام داد حقوق باو میدهید و اگر خوب کار نکرد باو میگوئید آقا بفرمائید - و بنده این گونه مذاکرات را هم اینجا صلاح نمیدانم گفته شود.

(بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تمام مدت سالی شش هزار تومان بیشتر نبوده باشد.

رئیس - آقای فیروز آبادی.

حاج سید رضا فیروز آبادی - بنده باز هم عرض میکنم که اولاً بواسطه قصوری که در عقل بنده است عقیده باستخدام خارجی ندارم و عقیده دارم اگر بتوانیم همان ابرائیهای خودمان را بکارهای اداراتمان و اداریم اگرچه هم ناقص اداره کنند باز بهتر از این است که هر روزه از خارجه مستخدم بیاوریم و از آنها استفاده کنیم - چرا؟ زیرا چهل سال پنجاه سال شصت سال است که ما از خارجه مستخدم استخدام کرده ایم ولی هیچ قسم

اصلاحاتی در مملکت نشده کدام اصلاح بنظر آقایان در این مملکت شده؟ آیا خط آهنی کشیده شده یا يك چاه نفتی استخراج شده؟ یا ده ملیون بیست ملیون پول توسط اینها در يك جایی داریم؟ خیر - چیزیکه شده این است که سالی پنجاه شصت کرور پول با کمتر یا زیادتر توسط اینها از يك عده مردم گرفته شده و بيك عده دیگر داده شده - یعنی بيك عده مردم فقیر شده اند و بيك عده دیگر بحال خودشان باقی مانده اند حالا از اینها گذشته عقیده بنده این است که این مستخدمیکه ماهی پانصد تومان برایش کافی است و سالی هشت نه هزار تومان خیلی زیاد است - زیرا غیر از این باز بيك مبالغ زیادی با سم خرج سفر و حقوق مرخصی و استفاده از تعطیل تابستان و غیره میگیرد که روی همرفته که حساب کنیم سالی چهارده پانزده هزار تومان میشود و این مبلغ خیلی زیاد است باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم که در هر سالی شش هزار تومان باو داده شود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - آقای فیروز آبادی فرمودند که اساساً

معتقد نیستید مستخدم خارجه استخدام شود برعکس ما معتقدیم که حتی برای وزارتخانههای دیگر مستشار باید از خارجه بیاوریم -

(عده از نمایندگان صحیح است) بعضی از نمایندگان

صحیح نیست

یاسائی - اما اینکه میفرمایند این مستخدمینی که

آمده اند چه کار کرده اند؟ بنده تصور میکنم این صورت اداری که ادارات مملکت ما دارد بواسطه وجود آنها است ما غالباً مدرسه ندیده ایم و اشخاصی نداریم که مدرسه ندیده باشند و اگر چیزی ابرائیها یاد گرفته اند از آنها بوده است - بالاخره ما باید بآن دولی که از ما جلو ترند نامی کنیم و مسامحات را قبول کنیم تا بسهولت پیش برویم - اینکه فرمودند حقوق این مستخدم زیاد است

تصور نمیکم با توضیحاتیکه آقای مخیر دادند این حقوق زیاد باشد زیرا این شخص دارای رتبه مدیر کلی است و در بيك قسمتهائی از دنیا مؤسسات مربوطه بدست و تلگراف را ایجاد کرده است و سالیان دراز هم در کنگوی بلژیک در افریقا رئیس کل بوده و در مملکت خودش هم دارای رتبه مدیر کلی است و عالی مقام است - همچو آدمی با سالی پنج شش هزار تومان حقوق نمیآید - قضیه دو طرف دارد - اگر ما میخواهیم مستخدم عالی مقام داشته باشیم و مجلس میخواهد بدولت اجازه بدهد که بيك متخصص بیاورد باید آنطرف هم قبول کند و اگر حقوق کافی باو داده نشود البته نخواهد آمد.

رئیس - آقای مخیر چه میفرمایند؟

مخیر - بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. رأی گرفته میشود بماده ۶ آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمع قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. بنا بر این تصور میکنم مطرح شدن بقیه مواد این لایحه مورد ندارد بکمسیون ارجاع میشود تا بعد تکلیفش معلوم شود.

یک نفر از نمایندگان - دیگر مورد ندارد

رئیس - لایحه که رد نشده. ماده شش رد شد. به کمسیون ارجاع میشود. آقای یاسائی.

یاسائی - چون این ماده تصویب نشد بنده پیشنهاد کردم که مبلغ کمتر از این باشد خوب است آقای مخیر هم موافقت بفرمایند و بالاخره موجهی ندارد که این لایحه از دستور خارج بشود خوب است پیشنهاد بنده را مطرح

بفرمائید اگر قابل توجه شد آن وقت لایحه برود به کمیسیون.

رئیس -- پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود.

(مضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم سال اول (۱۳۰۰) سال دوم نه هزار تومان الی آخر.

مخبر -- بنده تقاضا میکنم این پیشنهاد مراجعه شود به کمیسیون که در کمیسیون مذاکره کنیم و مواد بعد مطرح شود

رئیس -- آقای عراقی .

عراقی -- بنده تصور میکنم مطابق سوابق مجلس و نظامنامه تاکنون اینطور معمول بوده :

قبل از اینکه بماده رای گرفته شود اول بکفایت مذاکرات رای گرفته می شد بعد که کفایت مذاکرات تصویب میشد پیشنهادات خوانده میشد آنوقت بماده رای گرفته میشد ولی پس از آنکه بماده رای گرفته شد دیگر گمان میکنم پیشنهاد مورد نداشته باشد .

رئیس -- علی ای حال به کمیسیون ارجاع میشود . خبر کمیسیون داخله راجع بقانون بلدی . ماده ۳۸ قرائت می شود .

بشرح آتی خوانده شد

ماده ۳۸ - مطالبیکه در انجمن بلدی طرح میشود بتکلیف رئیس بلدی یا وکلاء بلدی و یا بموجب اظهار کتبی حاکم محل خواهد بود

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخبر محترم و معاون محترم وزارت داخله را توجه میدهم باینکه در اینجا نوشته شده : مطالبی که در انجمن بلدی مذاکره میشود . در انجمن بلدی مطالب خارجی مطرح مذاکره نمیشود مطالبی که در انجمن

مورد مذاکره میشود معین است و در همین قانون چهارده مورد برایش ذکر شده . بانجمن بلدی همچو آزادی نامی داده نشده که در آنجا بنشیند و اسباب اختلال کار های ادارات بشود بنده با این ترتیب مخالفم . زیرا تکلیف انجمن را ما معین کرده ایم موارد معینی را برایش ذکر کرده ایم که حق دارد در این چهارده مورد اقدام کند و دیگر خارج از این موارد حقی باو نداده ایم و اختیاری ندارد . ما قائل شده ایم بترتیبی که قانون معین کرده انجمن حق دارد در اطراف مسائل که قانوناً باید صحبت کند مذاکره کند . دیگر حالا فلان مطلب باید به پیشنهاد حاکم یا فلان باشد بنده مخالفم . برای اینکه اگر ما همیشه ماده را اینطور مطلق بنویسیم و بگوئیم مطالبی را که در آنجا واقع میشود یکی از اعضاء انجمن بلدی مسئله را طرح کند و دو نفر با هم مسئله را عنوان کنند آن وقت اسباب اختلال کار بلدی میشود . ما همانطور که معین کرده ایم اختیار و حدود مذاکرات انجمن بلدی در روی همان چهارده مورد است و از این حدود نباید تجاوز کند . ما باید قائل شویم که انجمن در حدود همان حقوق و مسائلی که برایش معین شده حق دارد بحث کند و الا بنده عقیده ام کلیه حذف ماده است .

معاون وزارت داخله - مطالبی که در اینجا نوشته شده مقصود همان مطالبی است که در حدود وظائف انجمن بلدی نوعاً معین شده است اما اینکه قید شده که تکلیف رئیس بلدی یا وکلای بلدی از چه قرار است این هم باز راجع به همان مطالب است که ممکن است در خود انجمن طرح بشود یا اینکه راجع باشد با پیشنهادی باشد از طرف اداره بلدی یا حکومت محل راجع به همان مسائل و در هر صورت مطالب از حدود آن وظایف و تکالیفی که برای انجمن معین شده خارج نمیشود و مربوط به همان وظائف است .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود

( اینطور قرائت شد )

پیشنهاد میکنم ماده ۳۸ حذف شود .

رئیس -- پیشنهاد آقای میر ممتاز

(مضمون آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۳۸ بطریق ذیل اصلاح شود :  
امور راجعه بانجمن بلدی بموجب اظهار اشخاص ذیل طرح میشود

- ۱ - به تکلیف رئیس انجمن بلدی و اعضاء آن .
- ۲ - بموجب اظهار کتبی حکومت و اداره بلدی
- ۳ - بموجب اظهار و شکایت کتبی اشخاص متفرقه .

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

( بان نحو قرائت میگردد )

بنده پیشنهاد میکنم بآخر ماده (۳۸) این جمله الحاق شود : و قبلاً مسائل مربوطه بانجمن باید در کمیسیون مرکب از سه تا هفت نفر از اعضاء انجمن رسیدگی شده راجع به کمیسیون در انجمن طرح شود . در مواقع فوری بر حسب تشخیص اکثریت اعضاء انجمن ممکن است مسائل بدون ارجاع کمیسیون در انجمن طرح و رسیدگی شود .

رئیس - پیشنهاد آقای حق نویس .

بشرح ذیل خوانده شد

اینجانب پیشنهاد میکنم ( دو یا سه نفر از وکلای بلدی ) نوشته شود .

رئیس - ماده ۳۹

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۹ - انجمن بلدی دو ماه بآخر هر سال بودجه سال آینده بلدی را تصویب مینماید

رئیس - آقای فهمی

فهمی - يك پیشنهادی در ماده ۳۷ کرده بودم که با بودن آن دیگر ماده ۳۹ بعقیده بنده مورد پیدا نمیکند . پیشنهاد را هم تقدیم داشته ام .

رئیس - پیشنهادات سابق به کمیسیون مراجعه شده است . آقای روحی .

روحی - عرض کنم قانونی که بان نحو میگردد .

بنده تصور نمیکنم قانونی باشد که متناسب يك انجمن بلدی قانونی باشد . مثلاً ما میگوئیم انجمن بلدی در دو ماه بآخر سال مانده بودجه را تصویب میکند . در صورتیکه در دوره پنجم ما در اینجا بودجه برایش تصویب کرده ایم برای اینکه شما ببلدی حق نمیدهید که عوارض بلدی را دریافت کند . بعلاوه بنده بیک وقت در ماده که مربوط بان مسئله بود عرض کردم که بلدی قانونی باید اختیارات از خودش داشته باشد عوارض شهری را معین کند و بگیرد . حالاً ما بیائیم دست و پایش را ببندیم و آنوقت بگوئیم بودجه اش را خودش تصویب کند . این صورت خارجی ندارد . عوارض غیر مالیات است عوارض شهری را به تناسب هر شهری باید بلدی همان محل معین کند و خودش بگیرد - مثلاً ممکن است بلدی اصفهان از هر بار میوه که بشهر میآید فلان قدر بگیرد یا بلدی کرمان از هر عدل قالی که خارج میشود قرار بگذارد يك مبلغی برای مصارف شهری بدهند . یا فلانجا بگویند از هر باری یکشاهی بگیرند . زیرا که مجلس شورای ملی نمیتواند قانونش را تصویب نماید . چون مقتضیات هر محل یکطوری است بعلاوه آنوقت مجلس شورای ملی از ابتدای سال تا آخر سال باید برای هر بلدی يك قانون مخصوصی وضع کند و این عملی نیست . به بلدی بایستی يك اختیاراتی داده شود عوارض شهر را خودش معین کند زیرا عوارض غیر از مالیات است و اصولاً بنده با اینکه عوائد يك شهری بمصرف جای دیگر برسد مخالفم . مثلاً فرض بفرمائید از عایدات سرشماری فلانجا بگیرند و بمصرف بلدی فلان شهر برسانند بنده مخالفم بایستی مردمان آن شهر به نشینند و يك عوارضی که سنگین نباشد بعنوان عوارض شهری ( نه مالیات ) رأی بدهند و دریافت کنند و بمصرف همان شهر برسانند و اگر ما غیر از این ترتیب نخواهیم رفتار

بکنیم این بلديه نيست . اداره است و بالاخره چيزی نيست که بدرجۀ جامعه بخورد . ما اگر بلديه داريم بايستی مثل بلديه همه جای دنيا باشد بلديه هم انجمن دارد . آن انجمن هم وکیل دارد . وکیل بلديه هم مثل وکیل مجلس شورای ملی است ، و انتخاباتی است و فرقی ندارد . او هم حق دارد عوارض را برای شهر رأي بدهد و بگیرد ولی مالیات از خصایص مجلس شورای ملی است . وبعلاوه این ترتیب باعث خواهد شد که از بودجه هر جایی بجای دیگر بدون جهت بدهيم و از بلديه هم نتیجه نبريم .

ضياء مخبر کيسيون داخله - معلوم نشد که این سوء تفاهم از کجا برای نماینده محترم حاصل شده است در حالیکه کيسيون کاملاً توجه دارد که اختیارات انجمن بلدی حتی المقدور در حدود وظائفی که قانون برای آنها معین میکند زیاد باشد . همچنین وزارت داخله کاملاً در نظر داشته است که از اختیارات انجمن بلدی هیچ چیز کاسته نشود در این ماده ذکر میشود که انجمن بلدی بودجه خودش را دو ماه بآخر سال مانده تصویب کند میفرماید بودجه بلديه همان چیزی است که روی هم رفته در دوره پنجم معین شده است در صورتیکه نه تنها آن نيست بلکه يك قسمت از عوائد موجوده بلديه عبارتست از آن عوارضی که بمناسبت تصویب قانون الغاء باج راهها مجلس برای بلديه ها معین کرده است . اما اگر نگاه کنیم ماده ۲۳ برای انجمن بلديه و اداره بلديه يك وظائفی معین شده است که روی آن وظائف باید عمل کنند چند جا تصریح شده است که میتواند عوارضی تهیه کند و اعانه بگیرد و طرح لایحه استقراض تهیه کند و قسمتهائی را که در خود انجمن مطابق این قانون میتواند تصویب کنند از وظائف انجمن است قسمتهائی هم که باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد موافق مواد این قانون جریان خودش را سير میکند و به تصویب مجلس شورای ملی خواهد رسید پس بنا بر این انجمن بلديه و بلديه هر جا يك عوارضی دارد و يك مخارجی هم در مقابل دارد بودجه بلديه

را کی باید تصویب کند ؟ البته يك اداره مستقل ملی بودجه خودش را خودش باید تصویب کند مجلس شورای ملی نمیتواند بودجه بلديه دزدآب یا بودجه بلديه ساوه و بلديه زرقان و جهرم فارس را تهیه کند وزارت داخله هم که نمیتواند بودجه يك اداره مستقل ملی را تصویب نماید پس انجمن بلديه ميبایستی تصویب کند بنا بر این در اینجا نوشته شده است دو ماه بآخر هر سال بودجه سال آتی را انجمن تصویب کند . تا اینکه بلديه در اول سال اداراتش مطابق همان بودجه و عوائد و مصارفتش مطابق همان بودجه تنظیم شود و بوظایفش مشغول شود هم کيسيون و هم وزارت داخله متوجه بوده اند که از اختیارات انجمن بلدی ابدأ کاسته نشود .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئيس - ماده ۴۰ قرائت میشود .

( بضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۴۰ - صورت مذاکرات هر جلسه و قراردادها نیکه انجمن بلديه می دهد در دفتر مخصوص ضبط شده و باعضای اعضاء حاضر و رئيس میرسد نوشتن صورت مجلس و ثبت قرار دادها در دفتر مخصوص بعهده منشی انجمن است .

رئيس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - بنده توجه میدهم مخبر محترم را باینکه این ماده در اینجا مورد ندارد و بعقید بنده مربوط بنظامنامه است و باید در نظامنامه نوشته شود

مخبر - این قانون يك نظامنامه مخصوص نخواهد داشت . این قانون اساسی است برای تشکیل انجمنهای بلدی قانونی و بلديه های ملی قسمتهائی که محتاج به نظامنامه بوده است در آخر همان ماده ذکر شده است که يك نظامنامه مخصوص ندوین خواهد شد که آن نظامنامه از تصویب انجمنهای بلدی و وزارت میگردد پس وقتی که این قانون قانون اساسی بلديه ملی و قانونی است بنا بر این نظامنامه اجرا

هم نخواهد داشت ولی اگر آقایان لازم میدانند نظامنامه اجرا هم داشته باشد ممکن است پیشنهاد کنند و کيسيون بنماینده وزارت داخله مذاکره کند والا این يك قانون اساسی است برای انجمن بلديه و تاسیس بلديه های قانونی و دیگر نظامنامه اجراء مخصوصی را کيسيون لازم ندانسته است و هر قسمتی را که کيسيون لازم دانسته است مثل ماده ۴۱ که راجع باجاء قرارداد های انجمنهاست ذکر کرده است مطابق نظامنامه مخصوصی

رئيس - پیشنهادات قرائت میشود . پیشنهاد آقای میر ممتاز :

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بناده ۴۰ علاوه شود تبصره - مطالبی که در انجمن بلدی باید مطرح مذاکره شود هیئت رئیس انجمن قبلاً نسخ متعدد از آن ترتیب داده بکروز قبل از انعقاد جلسه بین وکلای بلدی توزیع و تقسیم مینماید رئيس - پیشنهاد آقای فهیمی :

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۴۰ جمله ذیل اضافه شود :

و خلاصه تصمیمات هر جلسه در مدخل انجمن و حوزه بلدی باید اعلان شود .

رئيس - پیشنهاد آقای عمادی :

پیشنهاد میکنم این ماده در نظامنامه اجرا نوشته شود رئيس - ماده ۴۱ قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده ۴۱ - قرارداد های انجمن بلديه باستثنای آنچه راجع باعور داخلی انجمن است باید باعضاء حکومت یا وزارت داخله برسد و بعد از اعضاء قابل اجرا خواهد بود . نوع این قراردادها و تعیین تکلیف اعضاء آن برطبق نظامنامه مخصوص از طرف وزارت داخله مقرر میشود

رئيس - آقای احتشام زاده .

احتشام زاده - بطوریکه خاطر محترم آقایان نمایندگان

مستحضر است و آقای مخبر محترم هم ذکر فرمودند بلديه يك مؤسسه مستقل ملی است و بايستی در اجرای تصمیمات خودش قدرت داشته باشد و مستقل باشد ولی این عبارتی که در ماده چهارم و يك نوشته شده است که بعد از اعضاء قابل اجرا خواهد بود بالاخره اجرای تصمیمات انجمن را موکول میکنند باعضاء وزارت داخله یا حاکم و این برخلاف استقلال انجمن بلدی است و بنده تصور میکنم که انجمن بلدی را ماتوانيم بمنزله يك هیئت مشاوره قرار بدهيم چنانچه الان هم مرسوم است

در ادارات بلديه کارهایی که غالباً مربوط است به اصناف و میخواهند انجام بدهند يك عدد از اصناف را دعوت میکنند و با مشورت آنها آن کار را انجام میدهند بنده خیال نمیکم که انجمن بلدی يك همچو اجتماعي باشد که فقط برای شور اعضاء آن دعوت شوند بلکه خیال میکنم که يك انجمن مستقلی است و باید تصمیمات آن انجمن بموقع اجرا گذارده شود اعراض از اینکه حکومت با وزارت داخله موافقت نکند یا نکند .

مخبر - باید در این قسمت غور کرد که وظیفه مؤسسات شوروی با حکومت و قوه مجریه مخلوط نشود . مؤسسات شوروی که در رأس آنها مجلس شورای ملی است حق وضع قانون ندارد ولی اجراء قوانین بعهده حکومت است اگر حکومت در اجرای قانون مسامحه کرد این مؤسسه شوروی ملی آزاد میخواهد که قانون را اجرا کند در قدم دوم انجمن بلدی هم يك مؤسسه شوروی ملی است که در حدود این قانون حق تصویب و وضع قرار داد هائی ( که نماینده محترم وزارت داخله هم در یکی از جلسات اسبق بیان کردند که نوع قرار داد چیست ) حق تصویب آنها را دارد . منتهی برای اینکه بهتر رسمی شود باید حکومت امضا کند و يك قسمتهائی است که باید وزارت داخله هم امضا کند این ماده بیک قدری تفکیک کرده است بین وظائف انجمن بلدی و بین وظائف حکومت و وظائف انجمن بلدی وضع يك قواعد و يك قرارداد هائی است

در حدود این قانون و وظیفه حکومت و وزارت داخله هم اجراء آن تصمیمات است منتهی باید حاکم یا وزارت داخله آن قرارداد را امضا کند بعد بموقع اجرا گذارده شود از این جهت کمیسیون اینماده را اینطور تنظیم کرد.

رئیس -- آقای افشار

افشار -- به نظر بنده این قانونی که ما تصویب میکنیم حقیقتاً بلدی را که يك مؤسسه ملی و يك پارلمان شهری و ملی است يك شکل خاصی بآن میدهم یعنی آن استقلالی را که ما برای بلدی قانونی در نظر داشتیم آن نظر انجام نمی گیرد و تقریباً استقلالی را هم که فعلاً بلدی دارد از دستش میگیریم و یکی از شعبات وزارت داخله میشود در اینجا نوشته شده (قرار داد های انجمن بلدی با استثناء آنچه راجع بامور داخلی انجمن است) انجمن امور داخلی ندارد؛ انجمن اگر يك قرار داد هائی می بندد مربوط بامورات شهری و بلدی است والا خود انجمن که در واقع يك هیئت شوروی است تصمیمات او راجع بشهر است و اگر بنا شود نظریات انجمن مطابق نظریه حاکم مورد اجرا پیدا کند بکلی بیمورد است و بنظر بنده بهتر است که این ماده حذف شود؟

رئیس -- آقای فهیمی مخالفید؟

فهیمی -- بنده هم با راپرت کمیسیون و هم با اظهارات ایشان مخالفم

رئیس -- پس تأمل بفرمائید آقای مخبر توضیح بدهند

مخبر -- اگر بیانات بنده قاصر بوده و درست نتوانسته ام توضیح بدهم مغذرت میخواهم اما اینکه اینجا ذکر شده (با استثناء آنچه راجع بامور داخلی انجمن است) اینهم مثل مجلس شورایی ملی است قوانینی که مجلس وضع میکند دو قسمت است يك قسمت راجع بامور داخلی مجلس است که اجراء آن با خود مجلس است انجمن بلدی هم قوانینی که وضع میکنند و مربوط بامور داخلی خود انجمن است

معلوم است اجرائش از حدود اختیار حکومت خارج است و نباید اجراء مطالبی را که مربوط به نظامات داخلی انجمن است از حکومت خواست این بود که امورد داخلی انجمن استثناء شده است -- مطالب دو جنبه دارد یکی جنبه عمومی و یکی جنبه داخلی انجمن آنها تیکه مربوط بجنبه داخلی انجمن نیست بطوریکه در ماده تصریح شده است بامضاء حکومت و وزارت داخله خواهد رسید که بعد بموقع اجرا گذارده شود

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- یکی از مواردی که حتماً يك عابقی برای انجمن بلدی تولید خواهد کرد و انجمن را آلت معطله خواهد کرد همین ماده است مثلاً آقایان تصدیق میفرمایند که در ولایات ادارات مختلف هست از قبیل مالیه عدلیه و غیره که اینها در محل هر کدام يك اداره مستقلى میباشند و هیچ خودشان را در امور اداری مکلف بارتباط با یکدیگر نمیدانند فقط حاکم از همه بالاتر است از این را اغراق تصور نفرمائید بنده از یکی از حکام که متجاوز از یکسال در محل بود پرسیدم در آن محل مدرسه هست جواب داد گویا باشد بجهت اینکه يك کسی آمد آنجا پیش من و گفت من رئیس معارفم. این تقصیر یا حاکم نیست یا اداره است که وظایف مأمورین و ارتباط آنها را معین نکرده است و اینها غالباً عایق کار همدیگرند. انجمن بلدی هم با این قانون حاضر بالاخره يك همچو صورتی پیدا خواهد کرد بخصوص با نظری که بعضی از آقایان دارند که باید يك اداره مستقلى باشد ملاحظه بفرمائید انجمن بلدی بالاخره مهم تر از مجلس شورای ملی نخواهد بود. قوانینی که در مجلس شورای ملی تصویب میشود يك اصولی دارد در قسمت تهیه قانون -- وضع قانون -- اجراء قانون -- هیئت دولت و قوه مقننه هر کدام يك وظایفی دارند که باید اجرا کنند در این صورت چه طور می شود گفت يك انجمن بلدی باندازه مستقل باشد که هر تصمیمی میگیرد فوراً

قابل اجرا باشد. در این ماده عیب بزرگ این است که بطور کلی گفته اند تصمیمی که انجمن میگیرد با امضاء حاکم و وزارت داخله اجرا خواهد شد تمام ایراد اینجا است که معلوم نیست کدام تصمیمات است که با تصدیق وزارت داخله و کدام تصمیمات است که با تصدیق حاکم باید بموقع اجرا گذارده شود و ایرادات و اختلافاتی که بینشان تولید میشود چه طور باید اصلاح شود حوزه بلدی یا حوزه شهری در محل خودش مثل حوزه مملکتی است قانون اساسی بلدی عبارت از قانونی است که مجلس شورای ملی وضع می کند اصول تشکیلات و وظایف مختلفه اداری آن را با یکدیگر باید همانطور که قانون اساسی برای ادارات مملکت معین کرده است قانون بلدی هم برای انجمن های بلدی معین کند. انجمن بلدی بمنزله قوه مقننه است و حکومت یا ایالت بمنزله قوه مجریه و وزارت داخله بمنزله مقامی است که باید قانون را امضا کند در تمام این قسمتها اگر بخواهد تصمیمی بگیرد یا کاری بکند باید این مراحل را طی بکند قسمت بودجه وضع عوارض -- تصویب عوارض اصنافی با بودجه اضافی آنها هر کدام باید يك مراحل طی کنند و در اینجا هیچ اشاره نشده است وظایفی که برای آنها معین شده و چهارده تا است آیا تمام اینها را انجمن باید تصویب کند بعد وزارت داخله و حکومت تصویب کند اگر بگویند که وزارت داخله تصمیمی گرفت و انجمن نبود باید صبر کند تا انجمن تشکیل شود و تصویب کند و بعد بموقع اجرا بگذارد. این قسمتها حتماً باید در قانون ذکر شود بنده اینجا يك پیشنهادی تهیه کرده ام که تقدیم میکنم بنده تصور میکنم در بعضی موارد البته باید تصمیمات انجمن غیر قابل اجرا بماند مثلاً اگر تصویبات انجمن با یکی از قوانین موضوعه مخالفت پیدا کند یا از حدود وظایفش خارج باشد البته نباید مجری شود بعلاوه تصمیمات انجمن اغلب يك صورتهای دیگری پیدا میکنند یعنی مخلوط میشود بامنافع اشخاص و اعضاء انجمن در هر موردیکه بخواهد

در اموری که آن اشخاص شرکت دارند یا ذی نفع هستند تصمیماتی بگیرد شاید آنها دخالت نکنند و رای ندهند و يك موارد دیگری هست که بدون تصویب وزارت داخله اگر انجمن هم تصویب کند و حاکم هم تصدیق نماید نباید بموقع اجرا گذارده شود و باید حتماً بعد از تصویب حاکم بتصویب وزارت داخله برسد بعد بموقع اجرا گذارده شود بعضی قسمتها هم هست که با تصویب حاکم فقط میتواند اجرا شود لوائح انجمن را کلیتاً باید اداره بلدی تهیه کند حاکم هم تصویب نماید بعد با انجمن بدهند و انجمن تصویب کند تا صورت قانونی پیدا کند آنوقت ببرند به تصویب وزارت داخله رسانند در بعضی موارد هم حکومت و وزارت داخله باید حق داشته باشند که بعضی مسائل را بموقع اجرا بگذارند یعنی با انجمن رجوع نکنند اگر انجمن سکوت کرد و جواب نداد باید حکومت با تصویب وزارت داخله حق داشته باشد آن قسمت را اجرا کند. این مطالبی را که عرض کردم اگر رجوع بفرمائید بقوانینی که برای وظایف بلدی در هر مملکت نوشته شده است تصدیق میفرمائید که این پیش بینی ها در همه جا شده است و برای این است که مابین انجمن و ادارات مربوطه و حکومت و وزارت داخله يك کشمکشها و نزاعهای تولید نشود و ما هم باید این پیش بینی ها را بکنیم که انجمنهای آتی به مجال انجمنهای قبل نیفتند ما میخواهیم انجمنهای بلدی با يك وظایف معینی در مملکت دائر شود بعبارت اخري میخواهیم بوسیله انجمنهای بلدی اهالی هر محل را در زندگانی اجتماعی محلی خودشان حقیقتاً شریک کنیم در اینصورت باید از يك وقایع و اتفاقاتی که ممکن است اسباب عدم پیشرفت کار آنها بشود جلوگیری بکنیم و بالاخره از انجمنهای بلدی نتیجه بگیریم

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهاد آقای میرممتاز:

پیشنهاد میکنم -- ماده ۴۱ بعد از کلمه انجمن (اداره بلدی) اضافه و در آخر ماده بعد از وزارت داخله جمله



(باموافق نظر کمیسیون داخله مجلس) علاوه شود  
رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده :

بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۴۱ عبارت ( و بعد از امضاء قابل اجراء خواهد بود تا آخر مساده ) حذف شود.

رئیس - پیشنهاد آقایان امیر تیمور و افشار :

پیشنهاد میکنیم ماده ۴۱ حذف شود

رئیس - پیشنهاد آقای ثابت :

اصلاح ماده ۴۱ را بترتیب ذیل میدانم :

قراردادهای انجمن های بلدی باید بامضاء رئیس انجمن بلدی برسد و بعد از امضاء رئیس انجمن قابل اجرا خواهد بود .

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی :

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۴۱ حذف و بجای آن مواد ذیل نوشته شود

ماده ۴۱ - تصمیمات انجمن باستثنای آنچه راجع بامور داخلی انجمن است پس از اینکه حاکم باوالی با وزارت داخله امضاء کردند لازم الاجرا خواهد بود مگر در صورتیکه باقوانین موضوعه مخالفت پیدا کند و یا خارج از حدود وظایف قانونی انجمن باشد و یا اینکه بعضی از اعضاء انجمن که مستقیماً یا غیر مستقیم در آنکار ذینفع هستند در تصمیم شرکت کرده باشند .

ماده - در موارد ذیل تصمیمات انجمن بدون تصویب وزارت داخله باوزارتخانه های مربوطه دیگر قابل اجرا نخواهد بود .

(۱) در اجاراتیکه بیش از پنجسال مدت داشته باشد  
(ب) انتقال و فروش املاک و مستغلات متعلقه بشهر  
(ج) خرید ملک و ساختمانهای جدید و مرمت کلی یا جزئی ابنیه قدیمی و طرح و نقشه اصلاحات که مخارج آنها از حد اعتباراتیکه در بودجه سالانه بلدیة هر محل برای مصارف مذکوره منظور است تجاوز نماید (د) معاملات از قبیل خرید و فروش منساقصه و مزایده (ه) تغییر

مصرف ابنیه شهری که برای یکی از مؤسسات عمومی تخصیص یافته است ( و ) تغییر اسم و وضع یا امتداد یا وسعت دادن بامتد کردن خیابانها و کوچه های شهر و ایجاد یا حذف گردش گاهها و باغات عمومی ( ز ) تعرفه حق العبور و ناکس و ساینط نقلیه ( ح ) تصویب بودجه بلدی و اعتبارات اضافی ( ط ) تصویب عوارض اُصنافی و قرض ( ی ) ایجاد یا حذف یا تغییرات در محل میدانهای خرید و فروش ارزاق

ماده - . . . . .

رئیس - الی آخر . ماده چهل و دو قرائت میشود

( باین نحو قرائت شد )

ماده ۴۲ - هرگاه حاکم با قرار داد انجمن بلدیة موافقت حاصل نماید باید جهة عدم موافقت خود را بانجمن اظهار و انجمن را متقاعد بنماید در صورتیکه انجمن متقاعد نشود مراتب را بوزارت داخله اطلاع می دهند و رأی وزارت داخله قاطع خواهد بود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنده البته تصدیق میکنم که ممکن است انجمن بلدی بر خلاف قانون و قوانین موضوعه تصمیماتی بگیرند یا بر خلاف وظایف خودشان عمل کنند و حق هم میدهم بوزارت داخله یعنی هر وقت به بیند انجمن بر خلاف قانون رفتار می کند جلو او را بگیرد ولی با این طرزى که در اینجا نوشته است که هرگاه فلان شد رأی وزارت داخله قاطع خواهد بود . بنده خیال می کنم ( همانطور که در ماده قبل هم عرض کردم ) آن نظری را که از تشکیل انجمن بلدی داشته ایم نقض می شود و باین جهة بنده معتقدم که این عبارت طور دیگری اصلاح شود که فقط این نظر را تأمین بکنند که وقتی انجمن بر خلاف وظایف قانونی خودش تصمیماتی بگیرد وزارت داخله حق داشته باشد جلو آنها را بگیرد و الا اینکه ما بخواهیم بطور کلی رأی وزارت داخله

را در مورد اجراء تصمیمات انجمن مناط قرار بدهیم این کاملاً برخلاف نظری است که همه راجع باستقلال انجمن بلدی دارند و لذا بنده مخالفم .

معاون وزارت داخله - بنده در آن واحد هم جواب فرمایشات آقای احتشام زاده را می دهم و هم يك اندازه جواب آقای فهیمی را . این کلمه استقلال بلدی را که ذکر می کنیم ( سابقاً هم عرض کردم ) که مقصودمان از استقلال چیست ؟ استقلال ممکن است صورت های مختلف داشته باشد . باید البته در حدود قوانین و مقرراتی که وضع می شود يك مؤسسه موجودیت و استقلال پیدا کند . البته وقتی که این قانون بهر صورتی که در مجلس تصویب شد و مطابق آن عمل شد ثابت می کند که انجمن بلدی تا چه حد استقلال دارد و اساس و روح این قانون هم البته متوجه این است که انجمن بلدی که يك مؤسسه ملی است دارای يك قوت و استقلالی باشد که بتواند مصالح شهری را تأمین کند البته در این جا هم بهر کیفیتی که آقایان نمایندگان مقتضی بدانند ممکن است مصالح در قانون تأمین شود اما اینکه اینجا قید کردیم که قرار دادهای انجمن یعنی تصمیمات آن که چند مرحله را طی می کنند تا بوقوع عمل بیاید و اجرا شود بتصویب یعنی بامضاء قوه مجریه برسد برای چیست ؟ برای این است که اولاً حاکم یا وزارت داخله مجری این قرار دادها است . ثانیاً تصمیماتی که انجمن بلدی میگیرد خصوصاً در اوایل امر که هنوز تجربه ندارد و هنوز درست کیفیات را نمیتواند در مد نظر بگیرد آنها اگر از تحت نظر دولت هم بگذرد البته خیلی مفید تر و بهتر خواهد بود و البته مقصود این نخواهد بود که دولت و قوای دولتی با حقوق انجمن های بلدی معارضه کنند مقصود تحکیم و تکمیل همان نظریه هائی است که انجمن اتخاذ کرد . حالاً بطور مثال عرض می کنم ممکن است يك تصمیماتی انجمن بلدی

بگیرد که منافات با سیاست های محلی داشته باشد که مسئول آن سیاست دولت است و البته دولت هم نمیخواهد تضییع حقوق اهالی شهر را بکند . يك طوری نظر میکنند در این قضایا که حتی الامکان تطبیق بکنند بین قضایای شهری و آن مصالح سیاسی که در نظر دولت هست با همانطوریکه خودشان هم مثل زدند ممکن است يك تصمیمی انجمن بلدی اتخاذ کنند که مخالفت داشته باشد و بر بخورد بيك قانون یا يك رشته قوانین مملکتی . این البته باید از تحت آن نظری بگذرد که احاطه دارد بقوانین مملکتی تا بتواند درش نظر کند . زیرا ما نمیتوانیم مطمئن بشویم که انجمن بلدی احاطه بنام قوانین مملکتی دارند و اگر آن تصمیمی که به رای خودشان میگیرند غیر قابل تغییر و واجب الاجرا باشد ممکن است خیلی محظورات برای خودشان و شهر و قوه اجرائیه تولید کنند این است که بنده مخصوصاً جلب نظر آقایان را می کنم که دقت باین دو ماده چهل و يك و چهل و دو بفرمایند و توجه بفرمایند که مخصوصاً مصالح متعددی در اینجا در نظر گرفته شده و این دو ماده نوشته شده است معذک پیشنهاداتی که دارند مرقوم بفرمایند البته در کمیسیون نظر میشود و هر طور صلاح بدانند اصلاح میشود .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .

( مضمون ذیل خوانده شد )

پیشنهاد آقای میرممتاز

بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده چهل و دو بطریق ذیل اصلاح شود .

در صورتیکه انجمن متقاعد نشود طرفین مراتب را بوزارت داخله اطلاع میدهند هرگاه وزیر داخله با رای انجمن موافق شد قرار داد را امضاء و الا مراتب را به هیئت وزراء مراجعه می کند رأی هیئت وزراء قاطع خواهد بود .

پیشنهاد آقای باستانی

بنده پیشنهاد میکنم ماده چهل و دو حذف شود.  
پیشنهاد آقای ثابت

بنده پیشنهاد مینمایم ماده چهل و دو حذف شود.  
پیشنهاد آقای احتشام زاده

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴۲ بجای جمله (در صورتیکه انجمن متقاعد نشود تا آخر ماده) نوشته شود در صورتیکه انجمن متقاعد نشود و تصمیمات و قراردادهای انجمن برخلاف قوانین موضوعه و وظایف قانونی انجمن باشد بر حسب تشخیص وزارت داخله قرار داد و تصمیم انجمن موقوف الاجرا خواهد ماند.

پیشنهاد آقای فهیمی - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۲ بطریق ذیل نوشته شود

ماده ۴۲ - هرگاه حاکم بتصمیم انجمن اعتراضی داشته باشد از تاریخ ابلاغ آن تا ۱۵ روز اعتراض خود را با ذکر دلیل بانجمن اظهار و تقاضای تجدید نظر مینماید و همچنین اهالی محل هم اگر اعتراضی دارند میتوانند از تاریخ انتشار نایکماه بحاکم و انجمن اظهار کنند و اگر انجمن اعتراض را وارد ندانست مراتب بشورای دولتی و در غیاب آن بوزارت داخله مراجعه میشود و رای شورای مزبور یا وزارت داخله قاطع خواهد بود.

تبصره - در ایالات اختلاف بین انجمن و حاکم بوالی ایالت رجوع میشود و هرگاه رفع اختلاف نشد برای شورای دولتی یا وزارت داخله موکول خواهد شد.

رئیس - آقایان موافقت چند دقیقه تنفس داده شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت (مجدداً تشکیل گردید)

وزیر مالیه - بطوریکه خاطر محترم آقایان مستحضر است از چندی باینطرف راجع بنعم اشیاء نجمی و بعضی چیزهایی که تصور میبود و رودش بمملکت شاید منتج بنفایده نباشد مذاکراتی میشود - راجع باینموضوع در وزارت مالیه مذاکراتی شد و با اتفاق وزارت فوائد عامه يك

لايحه قانونی تهیه شد که تقدیم مجلس شورای ملی میشود که با نظر مساعدی که آقایان همیشه در اینباب داشته اند توجهی نفرمایند و هر چه زود تر آنرا تصویب فرمایند اغلب نمایندگان - صحیح است .

رئیس - آقای حائری زاده .

حائری زاده - بنده میخواستم تقاضا کنم که چون این لایحه دو شوری است و اگر دو شور بشود در مجلس زیاد معطل میشود بفروربتش رأی داده شود که يك شور داشته باشد .

رئیس - جنبه خرج هم دارد . طبعاً یکشور خواهد داشت . بکمسیون قوانین مالیه و فوائد عامه و بودجه ارجاع میشود . ماده چهل و سه قرائت میشود .  
بشرح ذیل خوانده شد

ماده ۴۳ - قسمت اداری بلديه در تحت ریاست یکنفر رئیس خواهد بود که از طرف وزارت داخله بترتیب ذیل معین می گردد : وزارت داخله برای ریاست اداری بلديه هر شهر سه نفر را که در محل معروف و دارای صلاحیت و شرایط لازمه و حق الامکان محلی باشند بمتناسب اهمیت بلديه محل بوسیله حکومت بانجمن بلدی معرفی می کند و انجمن با کثرت نامه يك نفر را از بین آنها انتخاب و پیشنهاد می نماید تا حکم او از وزاتخانه صادر شود .

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - این ماده که طرز تشکیل قسمت عملی بلديه را نوشته است البته یکی از مواد مهم این قانون است ولی خیلی مبهم بنظر میآید یعنی هم عباراتش مبهم است و هم معلوم نیست که در جریان عمل بچه شکل و ترتیب میخواهند يك عامی را معین کنند که کار کنند ، اینجا مینویسد : برای ریاست اداری بلديه هر شهر سه نفر را که در محل معروف و دارای صلاحیت و شرایط لازمه و حق الامکان محلی باشند . این ( صلاحیت و شرایط

اروپا هست که رؤسای بلديه را خود شهرها معین میکنند در اینجا منظور نیست بواسطه اینکه ده پانزده نفر جمع میشوند و يك نفر را بعنوان رئیس بلديه معین میکنند رئیس بلديه را باید خود مردم شهر با آراء عمومی انتخاب کنند در اینصورت بلديه يك نوع حاکمیت ملی خواهد داشت این هم که در اینجا معلوم نیست . لذا ممکن است در اینجا يك اشکالاتی تولید شده و مسؤولیت لوث خواهد شد در اجرای کارها مشکلاتی پیش خواهد آمد . مثلاً در اینجا هیچ معین نمیکند که این رئیس بلديه تا چند سال باید باقی باشد . آیا قابل عزل هست یا نیست یا ایام تصدی او چند وقت است ؟

اینها هیچ معلوم نیست مثلاً اگر رئیس بلديه باشد یا يك عیوانی در کارش پیدا شد کی باید او را معزول کند؟ وزارت داخله باید او را معزول کند؟ اگر اینطور است اینجا هیچ نوشته نشده بعلاوه این يك جنبه انتخابی هم دارد که بدون تصویب آن جمعی که او را انتخاب میکنند عزل او ممکن نخواهد بود . بهرحال این ماده يك اشکالاتی تولید خواهد کرد و مثل بعضی از قوانین که وضع کردیم و مجبور شدیم دوباره اصلاحاتی در او بکنیم در اینجا هم ناچار خواهیم شد دوباره اصلاحاتی در این قانون بکنیم . چون حالا شور اول است بنده نظریات خودم را عرض کردم و پیشنهادی هم عرض کرده ام . عقیده شخص بنده این است که وزارت داخله باید خودش یکنفری را که از اهل محل است و از منتظرین خدمت هم هست و قانون استخدام هم شامل حال او باشد در هر نقطه برای ریاست بلديه معین کند .

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - در قانون سابق رئیس انجمن بلدی رئیس اداره بلديه هم بود . بنظر بنده یکی از علل اینکه در تمام نقاط این قانون اجرا نشده بود همین بود . چرا؟ برای اینکه شخصی که مباشر يك عملی شد ناراضی زیاد پیدا میکند . مثلاً بجاری آنها که خیلی کثافت پیدا میکند اگر آن

لازمه) يك جمله مبهمی است کدام شرایط؟ چه شرایطی را يك نفر لازم دارد که که بتوانند او را معین کنند؟ و قبل از اینکه صورت قانونی پیدا کنند البته خوب است آن شرایط معلوم بشود و این کله (حق الامکان محلی بودن) هم اجازه میدهد بوزارت داخله که اصلاً طوری بشود که شرایط محلی بودن موجود نشود بعلاوه وقتی رئیس بلديه باین طریق معین شد مسؤولیتش لوث خواهد شد نه در نزد وزارت داخله مسؤول است و نه در نزد انجمن بلدی - چون مرهون هر دو طرف است . از يك طرف وزارت داخله او را پیشنهاد کرده و از طرف دیگران سه نفر باید بروند يك عملیاتی را در انجمن بلدی بکنند و يك اکثریتی حاصل کنند و این بالطبع يك اختلافاتی از بدو شروع بکار تولید میکند . آن سه نفر را که معین می کنند . وزارت داخله که آن سه نفر را بشخصه نمیشناسد بواسطه اینکه باید از اهالی محل باشند و بالاخره باید حاکم محل از همان نظر محلی آنها را معین کند و معرفی نماید . آنوقت کسی که باید انتخاب شود در خود انجمن بلدی از بدو امر يك عده مخالف خواهد داشت زیرا این شخص که با کثرت نامه انتخابات نخواهد شد . . . .

یکنفر از نمایندگان - باتفاق

عباس میرزا - و باین شکل و در این صورت ممکن است مسؤولیت لوث بشود در اینجا وزارت داخله خواسته هر دو نظری را که راجع بداره کردن بلديه است نامین کند و جلب افکار طرفین را بکنند . یعنی يك عده فکر میکنند که اصلاً دولت خوب است رئیس بلديه را همین طوری معین کند و مسؤول وزارت داخله باشد زیرا در واقع او رئیس قسمت اجرائیه است . اما اینکه راجع بکارهای محلی باید يك اعمال نظرهایی بکنند یا نکنند اینجا کاملاً معلوم نشده چون انجمن بلدی يك سه نفری را که برای این کار معرفی کرده اند باید يك نفر از آنها را انتخاب کند و از طرف دیگر هم آن نظری که در ممالک

مباشر امر کنند که روی مجاری را بپوشانند آنکسیکه پنج قران خرج برایش پیدا میشود قطعاً ناراضی خواهد بود. و در انتخابات همیشه اشخاصی که در پیش جامعه يك آبرومندی دارند و طرف توجه اکثریت هستند هیچ میل ندارند برای خودشان يك ناراضی بپوشانند. این نوع اشخاص طبعاً کلالتری و ریاست بلدی را قبول نمیکنند بنده در قسمت بزد خود مان اطلاع دارم دوسرته انتخابات بلدی شد و بالاخره کسی حاضر نشد ریاست بلدی را قبول کند. از این جهت در کمیسیون اینطور در نظر گرفته شد مثل اینکه دولت و مجلس روابطشان با یکدیگر نزدیک است ولی طرز انتخاب طوری است که شاه رئیس دولت را معرفی میکنند ولی مادامی آن رئیس دولت در این کرسی میتواند بنشیند که اکثریت مجلس باو رأی اعتماد بدهد و آن ساعتی که مجلس رأی عدم اعتماد بیک دولتی داد آن رئیس دولت قطعاً سقوط پیدا میکند اینجا هم در نظر گرفته شده که حقیقه وزارت داخله یک نفر رئیس انتخاب کند منتهی کسی را وزارت داخله باید انتخاب کند که اکثریت انجمن بلدی باو اعتماد داشته باشد موقع انفصال هم معین است هر وقت يك عملیاتی کرد که اکثریت انجمن بلدی نسبت باو اظهار عدم اعتماد کرد و سلب اعتمادش از او شد وزارت داخله باید او را تغییر بدهد. حالا فرضاً اگر اصلاح عبارتی لازم است و نسبت بعبارت ابرادی دارند ممکن است پیشنهاد بفرمایند در کمیسیون اصلاح خواهد شد. ولی روح قضیه همین بود که عرض کردم و تصور میکنم اغلب آقایان و کلاً هم این قضیه را قابل توجه میدانند مگر آقایانی که يك نظر خاصی داشته باشند رئیس - پیشنهاد جمعی از آقایان :

این بنده پیشنهاد میکنم لفظ (حتی الامکان) در ماده ۴۳ حذف شود - حیدری مگری - دادگر - عبدالله باستانی - اسدالله زوار - محمد آخوند

پیشنهاد آقایان عهادی و آقازاده خراسانی :

پیشنهاد میکنم که ماده ۴۳ بترتیب ذیل اصلاح شود. ماده ۴۳ - قسمت اداری بلدی در تحت ریاست يك نفر رئیس خواهد بود که از طرف انجمن بطریق ذیل معین گردد انجمن برای ریاست اداره بلدی سه نفر از میان خود انتخاب و بحکومت محل معرفی و حکومت مختار خواهد بود که یک نفر از آنها را معین نماید پیشنهاد آقای ساگینیان - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴۳ سه نفر را انجمن بلدی پیشنهاد کند و وزارت داخله یک نفر از بین آنها معین کند پیشنهاد آقای افشار - اصلاح ماده ۴۳ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم :

ماده ۴۳ - قسمت اداری بلدی در تحت ریاست يك نفر رئیس اداره میشود که با اکثریت نام و یاد داشتن سابقه خدمت اداری از میان اعضاء انجمن بلدی انتخاب شود حکم رسمی رؤسای بلدی در ولایات از طرف ولایه و حکام مجرد معرفی شخص منتخب از طرف انجمن و در مرکز از طرف حکومت طهران و با وزارت داخله صادر می شود.

پیشنهاد آقای کی استوان - پیشنهاد میکنم :

در ماده ۴۳ جمله (را که در محل معروف و دارای صلاحیت و شرایط لازمه و حتی الامکان محلی باشند) حذف و بجای آن نوشته شود (از اهل محل را) پیشنهاد آقای فرشی - این بنده پیشنهاد میکنم از ماده ۴۳ در انتخاب رئیس کله (حتی الامکان) حذف شود و تصریح شود رئیس باید محلی باشد

پیشنهاد آقای معظمی - بنده پیشنهاد میکنم حتی الامکان در ماده ۴۳ حذف شود

پیشنهاد آقای ثابت - بنده پیشنهاد میکنم (و حتی الامکان محلی باشند) حذف و بجای آن باید محلی باشند نوشته شود

پیشنهاد آقای احتشام زاده - بنده پیشنهاد میکنم

در ماده ۴۳ بجای کله (محلی) در جمله (و حتی الامکان محلی باشد) نوشته شود (از ولای انجمن باشد)

پیشنهاد آقای دکتر رفیع خان : پیشنهاد میکنم که رئیس اداره بلدی از بین اعضاء انجمن بلدی انتخاب شود پیشنهاد آقای اسکندری :

این بنده پیشنهاد می نمایم در فصل چهارم ماده ۴۳ در موضوع انتخاب رئیس بلدی کله حتی الامکان حذف شود و رئیس بلدی محلی باشد نوشته شود :

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب - پیشنهاد میکنم مدت ریاست رئیس بلدی یکسال خواهد بود و اعضاء انجمن میتوانند همان شخص را دوباره پیشنهاد کنند

پیشنهاد آقای زوار - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۳ باین ترتیب اصلاح شود قسمت اداری بلدی در تحت ریاست انجمن بلدی که از طرف اعضاء بلدی انتخاب خواهد شد اداره شود

پیشنهاد آقای بیات :

ماده ۴۳ - قسمت اداری بلدی در تحت ریاست يك نفر رئیس خواهد بود که از طرف انجمن بلدی بترتیب ذیل معین میگردد : انجمن بلدی از بین اعضاء خود یا خارج از اهل محلی سه نفر را معین کرده و وزارت داخله پیشنهاد میکند که يك نفر از آنها از طرف وزارت داخله حکم داده شود و هر موقعی که اکثریت انجمن انتخاب دیگری را صلاح بدانند بترتیب فوق تجدید انتخاب خواهد شد

پیشنهاد آقای میر ممتاز : ماده ۴۳ را با اضافه يك تبصره بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۴۳ - قسمت اداری بلدی در تحت ریاست یک نفر رئیس خواهد بود که بترتیب ذیل انتخاب و معین می گردد :

انجمن بلدی دو یا سه نفر از وکلاء بلدی را که داری سابقه و اطلاعات اداری باشند برای ریاست اداره بلدی به رأی مخفی برای مدت سه سال انتخاب و بوسیله حکومت

بوزارت داخله پیشنهاد میکنند وزارت داخله یک نفر از بین آنها معین و بموجب حکم وزارتی منصوب مینماید تبصره - در صورتیکه بین وکلای بلدی اشخاصی دارای شرایط ریاست بلدی نباشند انجمن بلدی میتواند از اشخاصی که بعد از وکلاء منتخبه دارای اکثریت نسبی و شرایط وکالت بعدی بوده متناسب این شخص باشد انتخاب نماید پیشنهاد آقای عباس میرزا :

ماده ۴۳ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم قسمت اداری بلدی در تحت ریاست یک نفر رئیس خواهد بود که از طرف وزارت داخله از اشخاص محلی که منتظر خدمت رسمی هستند تعیین و بوسیله حکومت محل مسؤول وزارت داخله بوده و حد اقل مدت مأموریت رئیس بلدی دو سال خواهد بود.

پیشنهاد آقای دکتر سنگ : بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۳ بطریق ذیل اصلاح شود قسمت اداری در تحت ریاست یک نفر رئیس خواهد بود که بترتیب ذیل معین می گردد. برای ریاست اداری بلدی انجمن بلدی هر شهر سه نفر از اهل محل را که دارای صلاحیت و شرایط لازمه باشند بوسیله حکومت بوزارت داخله معرفی وزارت داخله یک نفر را از بین آنها انتخاب و حکم او را صادر مینماید. پیشنهاد آقای فهمی - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۳ بطریق ذیل نوشته شود ماده ۴۳ - قسمت اداری بلدی یک نفر رئیس خواهد داشت که بترتیب ذیل معین میگردد انجمن بلدی هر شهر سه نفر را که در محل معروف و دارای صلاحیت و شرایط لازمه باشند بوسیله حکومت بوزارت داخله معرفی مینماید تا يك نفر آنها را بموجب حکم وزارتی به ریاست اداره بلدی برقرار نمایند. مدت ریاست رئیس بلدی دو سال است.

رئیس - ماده ۴۴ :

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - نظامنامه تشکیلات و وظایف اداری بلدی به پیشنهاد رئیس بلدی و موافقت حاکم محل و تصویب انجمن

بلدی مقرر میشود

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - این ماده هم بنظر بنده يك ماده است که از نقطه نظر نظامنامه نویسی تولید اشکال میکند چون نظامنامه بلدی باید در تمام مملکت متحد الشكل باشد و باید خود وزارت داخله ترتیب آرا بدهد اینجا نوشته شده است (نظامنامه تشکیلات و وظایف اداری بلدی به پیشنهاد رئیس بلدی و موافقت حاکم محل و تصویب انجمن بلدی مقرر میشود) بعقیده بنده این تفصیل را لازم ندارد خود وزارت داخله بنویسد بهتر است.

معاون وزارت داخله - مقصود از نظامنامه نظامنامه تشکیلات است. یعنی بلدی دارای چند نفر اعضاء باشد و قسمت اداریش از چه قرار باشد و البته تصدیق میفرمائید که هر بلدی يك عایدات معینی دارد و بفراخور آن عایدات باید تشکیلاتش را معین کرد بنا بر این هر بلدی بر حسب اقتضائی که دارد يك تشکیلات علیحده باید داشته باشد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای میرممتاز:

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۴ بطریق ذیل اصلاح شود: نظامنامه تشکیلات و وظایف اداری بلدی و مستخدمین آن پیشنهاد رئیس بلدی و موافقت وزارت داخله در پایتخت و موافقت حکام در شهرها بتصویب انجمن بلدی مقرر خواهد بود.

رئیس - پیشنهاد آقای ثابت:

ماده ۴۴ - بترتیب ذیل تنظیم و پیشنهاد مینمایم - نظامنامه تشکیلات و وظایف اداری بلدی به پیشنهاد رئیس بلدی و تصویب انجمن بلدی مقرر میشود.

رئیس - ماده ۴۵ قرائت میشود

(شرح آنی قرائت شد)

ماده ۴۵ - بلدی هر شهر به تناسب اهمیت محل

دارای اعضاء اداری و مستخدمین جزء خواهد بود اعضاء اداری بموجب حکم وزارت داخله و مستخدمین جزء بتصویب انجمن و بحکم بلدی معین میشوند و رعایت قانون استخدام در مورد آنها شرط نخواهد بود.

رئیس - آقای احتشام زاده.

احتشام زاده - این ماده بنظر بنده حقوق يك عده از اعضاء و مستخدمین بلدی های ولایات و مخصوصاً بلدیة طهران را تضییع میکند. برای اینکه شاید بکعده اشخاص باشند که مشمول قانون هستند و این ماده حق قانونی آنها را از بین میبرد در صورتیکه بکعده مستخدم گناهی ندارند که شامل قانون استخدام نشوند و بعقیده بنده بایستی عبارت این ماده طوری تنظیم شود که بمحقق حق آن اشخاص که شامل قانون استخدام هستند سکنه وارد نکنند و برای اصلاح این ماده پیشنهادی هم تقدیم کرده ام. مخبر - کمیسیون در نظر داشته است که هر قدر ممکن است این ماده صراحت نام و تمام داشته باشد باین موضوعیکه بنده میخواهم بعرض برسانم و آن این است که اعضاء بلدی ها آن قسمی که ممکن است از هر محل بتصویب انجمن بلدی انتخاب شود و برای مستخدمین جزء در هر محل نقطه انجمنهای بلدی بتوانند از اهالی همان محل استخدام نمایند و اینکه ذکر شده است رعایت قانون استخدام در مورد آنها شرط نخواهد بود. در مورد مستخدمین جزء است و نظر هم بر این بوده است که انجمنهای بلدی بتوانند مستخدمین جزء را استخدام کنند و هیچ بهانه در مقابل آنها نباشد که آنها مشمول قانون استخدام هستند یا نیستند (بعضی از نمایندگان: عمومیت دارد)

رئیس - لازم است تذکر بدهم که این ماده با ماده هفتاد قانون استخدام کشوری مخالف است و راجع بمستخدمین جزء هم لازم است با آقای مخبر تذکر بدهم که مشمول قانون استخدام نبوده اند و بنا بود برای آنها ترتیب خاصی در نظر گرفته شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید بنده عرض دارم رئیس - مذاکرات کافی شده است، پیشنهادات قرائت می شود:

پیشنهاد آقای بهبهانی: پیشنهاد مینمایم از آخر سطر سوم ماده ۴۵ بطریق ذیل اصلاح شود - رعایت قانون استخدام در مورد مستخدمین جدید شرط حتمی نخواهد بود ولی مستخدمینی که مطابق قانون استخدام دارای سوابق هستند از مزایای مقرر در قانون مزبور استفاده خواهند نمود -

پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان وثوق: ماده ۴۵ را بنده از این قرار پیشنهاد مینمایم:

ماده ۴۵ - بلدی هر شهر به تناسب اهمیت محل دارای اعضاء اداری و مستخدمین جزء خواهد بود که بموجب ماده ۲۱ قانون استخدام کشوری منصوب خواهند شد تبصره - در محلهائی که مشمولین قانون استخدام کشوری بقدر کفایت موجود نباشد ممکن است با تصویب انجمن بلدی محل بموجب ماده (۱۰) قانون استخدام کشوری مستخدمین محلی استخدام نمایند.

پیشنهاد آقای ساکنیان: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴۵ جمله آخر «و رعایت قانون استخدام در مورد آنها شرط نخواهد بود» حذف شود -

پیشنهاد آقای احتشام زاده - بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۴۵ افزوده شود: ولی استخدام اشخاص بی سابقه وقتی مجاز خواهد بود که اشخاص بی سابقه که مشمولین قانون در خدمات محلی نباشند

پیشنهاد آقای آشتیانی و جمعی دیگر از آقایان - ماده ۴۵ قانون بلدی را اعضاء کنندگان بطریق ذیل پیشنهاد مینمایند. ماده ۴۵ - بلدی هر شهر به تناسب اهمیت محل دارای اعضاء اداری و مستخدمین جزء خواهد بود اعضاء

اداری طهران مطابق مقررات قانون استخدام ولی مستخدمین ولایات و اعضاء جزو به تصویب انجمن و حکم بلدی معین میشوند

هاشم آشتیانی - اسعد بختیاری - ابراهیم آشتیانی - عراقی - حاج شیخ بیات - موقر - حبیب الله امین - جلائی - اسفندیاری - نگهبان - حسین وزیری - ۴ بهار فیروز آبادی - محقق شیرازی - ذوالقدر - محمد معظی - ع. روحی - سلطان محمد

پیشنهاد آقای زوار - بنده پیشنهاد میکنم از ماده ۴۵ کلمه حکم وزارت داخله حذف شود

پیشنهاد آقای خطیبی - بنده ماده ۴۵ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم: - ماده ۴۵ - بلدی هر شهری به تناسب اهمیت محل دارای اعضاء اداری و مستخدمین جزء خواهد بود اعضاء اداری مطابق مقررات قانون استخدام و مستخدمین جزء بتصویب انجمن و حکم بلدی معین میشوند.

تبصره - در شهر هائی که مشمولین قانون استخدام بقدر کفایت موجود نباشد ممکن است از ساکنین همان شهر و یا اشخاصی که فعلاً متصدی هستند که مشمول قانون استخدام نباشند اعضاء اداری انتخاب نمود - وزارت داخله برای ترتیب استخدام این قبیل اعضا و مستخدمین جزء نظامنامه مخصوص ترتیب خواهد داد.

پیشنهاد آقای دکتر رفیع خان: پیشنهاد می کنم که اعضاء اداری بلدی از میان اعضاء انجمن بلدی با کثرت آراء انتخاب شود

پیشنهاد آقای ثابت و ملک آرائی: ماده ۴۵ را بترتیب ذیل اصلاح می نمایم: - بلدی هر شهر به تناسب اهمیت محل دارای اعضاء اداری و مستخدمین جزء از خود آن شهر خواهد بود اعضاء اداری بموجب تصویب انجمن و حکم وزارت داخله و مستخدمین جزء بتصویب انجمن و حکم بلدی خواهد بود

پیشنهاد آقای میرممتاز: پیشنهاد میکنم ماده ۴۵ بطریق ذیل اصلاح شود: بلدی هر شهر به تناسب اهمیت

محل دارای رؤساء و اعضاء شعب ادارى و مستخدمين جزء كسے محلى باشند خواهد بود - رؤساء و اعضاء شعب ادارى به پيشنهاد رئيس بلديه و تصويب انجمن و حكم وزارت داخله - و مستخدمين جزء به پيشنهاد رئيس شعبه و حكم بلديه معين خواهند شد

پيشنهاد آقاى مير ممتاز: بنده پيشنهاد ميكنم - تبصره ماده ۴۵ كه مفاد ماده ۴۴ است به تبصره ذيل تبديل شود:

تبصره - در شهر هائى كه مشمولين قانون استخدام كشوري خدمت بلدى دارند موجود نباشند در خدمت بلديه قانونى حق تقدم خواهند داشت ولى راجع بميزان مقررى و وظائف ادارى تابع مقررات قانونى بلديه خواهند بود.

پيشنهاد آقاى روحى: ماده و تبصره ۴۵ را بطريق ذيل پيشنهاد مينامم: بلديه هر شهر به تناسب اهميت محل دارى اعضاء ادارى و مستخدمين جزء خواهد بود اعضاء ادارى مطابق مقررات قانون استخدام و مستخدمين جزو بتصويب انجمن و حكم بلديه معين ميشوند.

تبصره - در شهرهائى كه مشمولين قانون استخدام بقدر كفايت موجود نباشند ممكن است از ساكنين همان شهر كه مشمول قانون نباشند اعضاء ادارى انتخاب نمود وزارت داخله براى ترتيب استخدام اين قبيل اعضاء و مستخدمين جزو نظامنامه مخصوص ترتيب خواهد داد پيشنهاد آقاى بيات: ماده ۴۵ - بلديه هر محل به تناسب اهميت محل دارى اعضاء ادارى و مستخدمين جزو خواهد بود اعضاء ادارى بموجب حكم وزارت داخله و مستخدمين جزو بتصويب انجمن و بحكم بلديه معين ميشوند -

تبصره - در قسمت اعضاء ادارى اهالى محل مقدم خواهند بود.

پيشنهاد آقاى كى استوان: ماده ۴۵ را بشرح ذيل

پيشنهاد مكنم: ( اعضاء و اجزاء اداره بلديه بر طبق نظامنامه ماده ۴۴ با تصويب انجمن بلدى از اهالى محل استخدام و بموجب حكم وزارت داخله منصوب ميگردند )

تبصره - مستخدمين جزء بتصويب انجمن و حكم ادارى برقرار ميشوند.

پيشنهاد آقاى فهيمى: بنده پيشنهاد ميكنم ماده ۴۵ بطريق ذيل اصلاح شود: ماده ۴۵ - بلديه هر شهرى به تناسب اهميت محل دارى اعضاء ادارى و فنى و مستخدمين جزء خواهد بود اعضاء ادارى بلدى و مهندسين خيابانها و راههاي اطراف و نخبيلداران بلدى بر حسب پيشنهاد رئيس اداره بلدى و تصويب حاكم معين ميشوند و عمليات حريق و اطفائيه و سرايداران عمارات و باغات عمومي و عمليات احتساب و ساير مستخدمين جزء را رئيس بلديه معين مينمايد

تبصره - اعضاء ادارى بلدى مستخدمين محلى محسوب ميشوند و اداره بلديه هر شهر مكلف است با موافقت حاكم مقررات قانون استخدام كشورى را نسبت بآنان تا حديكه مقتضى است در ضمن نظامنامه مخصوص معين نموده و پس از تصويب وزارت داخله بموقع اجرا گذارد پيشنهاد آقاى آقا زاده خراسانى: بنده پيشنهاد ميكنم كه سطر دوم ماده ۴۵ چنين اصلاح شود كه اعضاء ادارى بموجب حكم وزارت داخله در صورتيكه مشمول قانون استخدام باشند مستخدم محسوب خواهند شد

پيشنهاد آقاى عدل: بلديه هر شهر به تناسب محل دارى اعضاء ادارى و مستخدمين جزء خواهد بود براى اعضاء بلديه ها ( اعم از اعضاء و مستخدمين جزء ) وزارت داخله نظامنامه مخصوص تدوين خواهد كرد.

پيشنهاد آقاى ثقة الاسلامى - اين جانب پيشنهاد ميكنم مستخدميني كه سابقه ادارى دارند قانون استخدام در حق آنها شامل ولي مستخدمين جديد بتصويب انجمن و حكم

بلديه معين شوند و بايد هم اهل محل باشند.  
رئيس - جلسه آتیه روز يكشنبه سه ساعت قبل از ظهر  
رئيس - آقاى بان زوار. نجومي. فرشي. پيشنهاد ختم  
جلسه را کرده اند  
بعضى از نمايندگان - صحيح است  
ثانياً بقيه قانون بلدى

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد